



## افزایش سن ازدواج

حمیدفلاحی

### مقدمه

نیاز جنسی بخشی جدایی ناپذیر از ماهیت زیستی، روانی و اجتماعی آدمی است که کیفیت ارضای آن نقش بسیار مهمی در سلامت و بهداشت روانی فرد و جامعه دارد. بر اساس آموزه های دینی، اگر این نیاز به صورت شرعی و معقول (ازدواج) و در زمان مناسب ارضا شود، باعث آرامش خاطر، رشد شخصیت و استمرار حیات بشر می شود و اگر امکان ارضای صحیح آن فراهم نیاید، به صورت انحرافات جنسی و بی بند و باری های اخلاقی نمودار خواهد شد.

آمارها، در سال های اخیر، منحنی های روبه رشدی را در زمینه انحرافات و بی بند و باری های اخلاقی در میان جوانان نشان می دهند. این رشد غیرطبیعی و هماهنگ می تواند حاکی از عوامل ساختاری همانند باشد. به طور قطع نمی توان یک عامل را علت انحرافات اخلاقی و بی بند و باری جنسی جوانان دانست و در بیشتر موارد ترکیبی از چند عامل وجود دارند. با وجود این، عوامل خاصی به عنوان عوامل مؤثر در میزان بروز بی بند و باری جنسی جوانان شناسایی شده اند؛ فراهم نبودن شرایط ازدواج برای جوانان یا به تعبیر دقیق تر، افزایش سن ازدواج یکی از عوامل اساسی در رواج بی بند و باری های جنسی و انحرافات اخلاقی جوانان است.

از سوی دیگر خانواده بافت اصلی هر جامعه است. از خانواده سالم، جامعه سالم شکل می گیرد و ازدواج مقدمه تشکیل خانواده است. ازدواج یکی از مهم ترین رویدادهای زندگی انسان محسوب می شود که نه تنها در سلامت جسمی و روانی فرد مؤثر است، بلکه نقش

مهمی در ورود انسان به دوره بزرگسالی دارد. ازدواج پدیده ای مطلق و فارغ از بستر زمان و مکان نیست و در هر زمان و در هر جامعه ای چهره خاصی دارد.<sup>۱</sup>

ایران همچون سایر کشورهای جهان سوم در مرحله گذار از سنت به مدرنیته. این گزار است که تغییرات اجتماعی وسیعی در همه پدیده های اجتماعی، از جمله در ازدواج و همسرگزینی، ایجاد کرده است؛ تغییراتی که موجب شده است تا مردان و زنان نگرش نوینی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و آن را فقط یک رابطه جنسی و تولیدمثلی، بلکه رابطه ای کمال گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی بدانند. دنیای جدید باعث بالا رفتن سطح آگاهی های اجتماعی، سواد عمومی و تحصیلات شده که به موازات آن سطح توقعات و انتظارات مردم و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است. علاوه بر مدرنیته وقوع انقلاب موجب شد تا تغییراتی اساسی در جامعه به وجود آید. از جمله این تغییرات می توان به تغییر نقش اجتماعی زنان در جامعه، آزادی های اجتماعی و مدنی، گرایش زنان به تحصیلات بالاتر، و احراز صلاحیت های همسانی همانند مردان در به دست گرفتن مشاغل خارج از منزل اشاره کرد. این اتفاقات باعث شد همسرگزینی از شکل سنتی خارج شده، با مسائل دیگری، که در نوع خود در کشور ما تازگی دارد، مواجه شود.

نگاهی به آمارهای موجود نشان می دهد میانگین سن ازدواج زنان با تحول عمده ای روبه رو شده است و بین سال های ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۸۵ همواره با افزایش تدریجی همراه بوده، و این افزایش در یکی دو

دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است، به طوری که سن ازدواج زنان در ایران در سال، ۱۳۴۵، ۱۹ سال در سال ۱۳۵۵، ۲۰ سال، در سال ۱۳۶۵، ۲۱ سال، در سال ۱۳۷۵، ۲۲ سال، و در سال ۱۳۸۵، ۲۳ سال بوده و میانگین سن ازدواج دختران از ۱۸ به ۲۸ سال رسیده است.

سن ازدواج برای دختران و پسران را به سه بخش بهنگام، زودبهنگام و دیربهنگام تقسیم می شود؛ محدوده سن بهنگام برای دختران ۱۵-۲۷ و برای پسران ۱۸-۳۰ و محدوده سن دیربهنگام برای دختران بالای ۲۷ سال و برای پسران ۱۸-۳۰ و محدوده سن دیربهنگام برای دختران بالای ۲۷ سال و برای پسران بالای ۳۰ سال است. در حال حاضر ۴۳ هزار نفر از دختران مجرد در مقطع سنی بزرگتر از ۳۵ سال قرار دارند که در صورت بی توجهی به وضعیت آنان، در آینده نزدیک فشار اجتماعی سنگینی به بدنه جامعه وارد می شود.<sup>۲</sup>

نظرسنجی های انجام شده اخیر در تهران حاکی از آن اند که جوانان پسر سن ایدئال برای ازدواج را بالای ۲۶ سال می دانند این امر بالا رفتن سن ازدواج را نسبت به فضای سنتی جامعه، که در آن معمولاً ازدواج هازیر ۲۰ سال انجام می شده، نشان می دهد. سن ایدئال ازدواج برای دختران در این تحقیق، ۲۱ تا ۲۵ سال گزارش شده است. مورد پژوهی ها و یافته های بالینی نیز، علاوه بر مطالعات نظام مند، نشان می دهند که امروزه جوانان دیرتر ازدواج می کنند.

تحقیقات تجربی میانگین اجتماعی را مبنای قضاوت درباره افزایش یا کاهش نرخ سن ازدواج در نظر

۱. شهید) و کاظمی پور، «تولمنشی زنان، نواندیشی کل بشریت»، روزنامه ایران، سال هشتم، شماره ۲۴۷۱.

۲. سمیرا فرهادی، «بررسی رفتار فردگرایانه و جمع گرایانه به تفکیک جنس در تأخیر ازدواج»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده آداب، واحد تهران مرکزی.

۳. منوچهر محسنی، بررسی آگاهی، نگرش ها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران، ص ۱۱۳-۱۱۷.



می گیرند، اما با تفحص در آموزه های دینی به الگوهای دیگری برمی خوریم که بر اساس آنها می توان درباره افزایش یا کاهش سن ازدواج قضاوت کرد.

### یکم) هنجار دینی سن ازدواج

ازدواج و تأسیس کنون زندگی مشترک خانوادگی یکی از بهترین و مهم ترین رسوم اجتماعی انسان هاست که از فطرت و آفرینش مایه می گیرد. این نیاز، که به صورت فطری در انسان به ودیعت نهاده شده است، تا زمان ظهور جوانه های بلوغ، دوران آرام و بی تحرکی را پشت سر می گذارد؛ اما به مجرد شروع دوران نوجوانی، زمان بیداری آن فرامی رسد و آرام آرام تمامی وجود نوجوانان را در برمی گیرد و به یکی از مهم ترین نیازهای وی تبدیل می شود. اگر این نیاز به موقع و به طور صحیح پاسخ داده شود، زمینه سلامت و بهداشت روانی انسان فراهم می گردد. از این رو در آیات و روایات به اهمیت ازدواج و نیز زمان مناسب آن تأکید شده است.<sup>۱</sup>

از نظر قرآن، ازدواج مایه آرامش روح و روان آدمی و از نشانه های رحمت و بزرگی خداست: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ و از نشانه های قدرت و ربوبیت او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد؛ یقیناً در این آکار شگفت انگیز [نشانه هایی است برای مردمی که می اندیشند].<sup>۲</sup>

رسول گرامی اسلام (ص) بنای ازدواج و تزویج خانواده را دوست داشتنی ترین بنا در اسلام معرفی



می فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ أَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ بنایی عزیزتر از ازدواج در اسلام بنا نشده است».

گرچه سن خاص و معینی در قرآن کریم برای ازدواج بیان نشده است، ولی از واژگانی همچون «بلوغ»، «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» می توان به نحوی سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج، این آیه شریفه باشد: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَى حَتَّى إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح (همسرگزینی) تمایل پیدا کنند. اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید، اموالشان را به آنان بدهید».<sup>۳</sup>

«بلوغ نکاح» زمانی است که فرد قدرت ازدواج پیدا کنند. شیخ طوسی در تفسیر آیه می نویسد: «معنای بلوغ نکاح آن است که به مرحله توانایی بر

هم خوابگی و تولید نسل برسند».<sup>۴</sup> در تفسیر مراغی آمده است: «بلوغ نکاح رسیدن به سنی است که استعداد و آمادگی ازدواج حاصل شود. نوجوان در این حالت میل پیدا می کند همسر و سرپرست خانواده باشد».<sup>۵</sup> بنابراین معیار سن ازدواج از نظر قرآن، احساس نیاز به ازدواج، توانایی هم خوابگی، قدرت تولید نسل و رسیدن به حد رشد، یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت خویش است.<sup>۶</sup>

در روایات نیز بدون آنکه به سن خاصی اشاره شود، ترغیب به ازدواج در آغاز جوانی شده است.<sup>۷</sup> از روایات استفاده می شود که سن پایه برای ازدواج بعد از بلوغ است و اگر شخص به ازدواج نیاز داشته باشد، به گونه ای که ترک آن موجب گناه شود، ازدواج در این سن واجب می گردد.

بر اساس شواهد تاریخی، ازدواج امامان (علیهم السلام) در سنین پیش از ۲۰ سالگی بوده است.

۱. نور: ۳۱؛ آل عمران: ۴۹؛ نعل: ۷۲؛ فرقان: ۷۴. ۲. زود: ۲۱. ۳. ساء: ۶. ۴. شیخ طوسی، التبیان ج ۳، ص ۱۱۶. ۵. مراغی، تفسیر مراغی، ج ۴، ص ۱۸۸.

۶. محمدصادق شجاعی، «تحلیل روان شناختی افزایش سن ازدواج و نقش آن در الحرفات اخلاقی» معرفت ادیان و عرفان، شماره ۹۷، ص ۱۳۸۴، ص ۴۷. ۷. علامه مجلسی، معارج النور، ج ۲۳، ص ۲۲۱؛ شرح حر عاملی، وسائل الشریعه، ج ۲۰، ص ۶۱.





این بزرگواران در مورد فرزندانشان نیز همین شیوه را داشتند و نوعاً قبل از ۲۰ سالگی زمینه ازدواج آنان را فراهم می نمودند؛ از آنجا که عمل و سیره معصومان (علیهم السلام) برای ما الگو و حجت است، در تعیین سن ازدواج نیز می توانیم سیره آن بزرگواران را به عنوان یک هنجار دینی در نظر بگیریم. بنابراین ما چه عرف را ملاک قرار دهیم و چه سیره و عمل معصومان را، در هر دو صورت، سن ازدواج افزایشی چشمگیر و تفاوتی معنادار داشته است.

#### دوم) عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج

مشکلات و موانع ازدواج از یک سو و آرزوها، ایدئال‌ها و تصویری که دختران و پسران از آینده و زندگی مشترک خود دارند، از سوی دیگر، موجب گردیده که جوانان به آسانی تن به ازدواج ندهند. عوامل بسیاری در افزایش سن ازدواج جوانان مؤثرند که برخی از آنها واقعی و برخی دیگر ساخته و پرداخته خود ما هستند. این عوامل را می توان به سه بخش تقسیم کرد: عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی.

#### الف) عوامل اجتماعی

زندگی اجتماعی یکی از ضروریات حیات انسان است، که بشر بدون آن قادر به ادامه زندگی نیست. اگر در برنامه ریزی و سیاست‌گذاری اداره جامعه، دقت کافی نشود، مشکلات زیادی به وجود می آید؛ برخی از عوامل افزایش سن ازدواج به مسائل اجتماعی بازمی گردد:

خصوص بین جوانان، افزایش می یابد.

#### ۲. طولانی بودن تحصیلات دانشگاهی

طولانی بودن مدت تحصیلات دانشگاه و افزایش نسبت دختران به پسران در دانشگاه‌ها، که طبق بعضی آمارها تنها ۳۵/۴۳ درصد از شرکت کنندگان کنکور پسر هستند،<sup>۲</sup> سبب شده است؛ لولاً اغلب پسران و دختران تا پایان تحصیلات و تا هنگام اشتغال از ازدواج سرباز زنند؛ ثانیاً دختران به علت داشتن تحصیلات دانشگاهی، حاضر به ازدواج با پسران فاقد تحصیلات

#### ۱. افزایش جرائم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی

بالا رفتن جرائم و آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی، مانند اعتیاد، بی بند و باری، همسر آزاری، طلاق، روابط سرد همسران، و دخالت اطرافیان، نه تنها موجب از هم پاشیدگی خانواده‌ها بلکه باعث سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده است. این اتفاق سبب شده است جوان امروز به ازدواج به عنوان عامل خوش‌بختی نگاه نکند و سرنوشت خود را به کسانی که در دام این آسیب‌ها گرفتار شده‌اند، تشبیه کند. در این وضعیت بدبینی نسبت به ازدواج در جامعه، به

۱. محمدتقر صیویس، فراغ‌های برجسته از سیره امامان شیعه، ج ۲، ص ۲۹-۲۸. ۲. عباس رحیمی، امن از موانع، عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن، معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۱۲، ص ۱۱۴. محمدصادق شجاعی، پیشین، ص ۴۹-۴۸. ۳. عباس رحیمی، پیشین، ص ۱۲۸-۱۲۶.



نباشند. این اتفاق باعث شده است درصد بالایی از دختران بدون همسر بمانند و یا به ازدواج ناخواسته تن بدهند.

کسب مدرک تحصیلی موجب اعتبار اجتماعی و اقتصادی فرد می‌گردد و زمینه استخدام آسان تر را فراهم می‌کند. بنابراین جوانان برای اینکه بتوانند در آینده از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بهتری برخوردار شوند، ناگزیرند دهه سوم زندگی خود را برای تحصیل صرف کنند. تحصیلات عالی برای زنان بیشتر از این نظر اهمیت دارد که موقعیت اجتماعی آنان را افزایش می‌دهد؛ زنانی که تحصیلات بالاتری دارند، معمولاً می‌توانند با مردانی ازدواج کنند که از موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالاتری برخوردارند.

### ۳. به هم خوردن توازن تعداد دختران و پسران آماده ازدواج در روستاها

طبق آمارها، به علت مهاجرت پسران روستایی به شهرها برای کسب و کار، جمعیت دختران روستایی آماده ازدواج دو برابر گذشته شده است. از سوی دیگر پسران شهری تمایلی به وصلت با خانواده‌های روستایی ندارند. در نتیجه دختران روستایی شانس کمتری برای ازدواج دارند. شاهد این مطلب وجود دختران مجرد و باسنین بالا در روستاهاست.

۴. فراهم بودن زمینه ارضای نامشروع نیازهای جنسی به نظر می‌رسد بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی رابطه‌ای مستقیم برقرار باشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهند روابط آزاد بین دختر و پسر و امکان

تمتع و ارضای جنسی، نیاز به ازدواج را در جوانان کم‌رنگ کرده است. در تحقیقی درباره مشکلات و موانع ازدواج جوانان، به ویژه دختران، بررسی شده است، به این نکته اشاره شده است که برخی جوانان برای ارضای غریز طبیعی خود به ارتباط با جنس مخالف بسنده می‌کنند. این تحقیق وجود زمینه‌های انحرافی و روابط آزاد دختر و پسر را به عنوان یکی از عوامل افزایش سن ازدواج برشمرده است.<sup>۱</sup>

### ب) عوامل اقتصادی

یکی از عمده‌ترین دلایل تأخیر ازدواج جوانان عوامل اقتصادی است. در یک گفت‌وگوی ساده و خودمانی با جوانان، به خصوص پسران، به آسانی می‌توان فهمید که علت نداشتن تمایل به ازدواج در بیشتر آنان مشکلات اقتصادی است؛ برخوردار نبودن از شغل و مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج از جمله این مشکلات هستند. خانواده‌های دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد بزرگی برای ازدواج دخترانشان می‌دانند، به خصوص خانواده‌هایی که دخترانی با فاصله‌های سنی کم، دارند. هزینه‌های مالی یک خانواده بسیار گسترده و متنوع است: هزینه‌های مسکن، خوراک، پوشاک، درمان، تفریحات، تحصیلات فرزندان، رفت و آمد و... روشن است که تأمین کامل چنین مخارجی تنها در صورتی امکان پذیر است که افراد به مشاغلی با درآمد کافی دسترسی داشته باشند.

ممکن است تعداد کمی از جوانان به ازدواج روی آورند و زندگی فقیرانه‌ای را در پیش گیرند، ولی معمولاً افراد ترجیح می‌دهند تا زمانی که شغل مناسبی به دست نیاورده‌اند، ازدواج نکنند.

اداره آمار آمریکا درباره تغییرات سن ازدواج در بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۹۸ گزارشی را با این مضمون منتشر کرد: در سال ۱۹۵۶ میانگین سن ازدواج در این کشور به پایین‌ترین حد خود رسید (برای مردان ۵/۲۲ و برای زنان ۱/۲۰ سالگی). دلیل این کاهش این بود که رشد اقتصادی آمریکا پس از جنگ موجب شد که مردان، به ویژه جوانان، بتوانند به راحتی شغل به دست آورده و درآمد کافی برای اداره خانواده کسب نمایند. از دهه ۶۰ به بعد سن ازدواج رو به افزایش گذاشت که عامل عمده آن کاهش دستمزد مردان جوان، دستمزد افراد با تحصیلات کمتر، بود.

این نتیجه‌گیری با تحقیقاتی که در کشورهای دیگر، مانند ژاپن و هند، انجام گرفته نیز تأیید شده است. بنابراین عدم توان اقتصادی کافی انگیزه ازدواج جوانان را پایین می‌آورد و اجازه نمی‌دهد آنان در سن پایین ازدواج کنند. در پژوهشی که به منظور بررسی نگرش دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی اهواز نسبت به ازدواج انجام شده، بیش از ۵۲ درصد دختران تمایل به ازدواج داشتند که ۳/۲۵ درصد از همین دانشجویان مشکلات مالی را از موانع ازدواج ذکر کردند.

گاهی داشتن توان اقتصادی، مانند داشتن شغل، مانع ازدواج می‌شود. این اتفاق بیشتر در دختران



شاغل شایع است. بسیاری از دخترانی که شغلی برای خود دست و پا می کنند و مشغول به کار می شوند، رغبت خود را نسبت به ازدواج از دست می دهند. دلایلی که موجب کاهش میل آنان به ازدواج می شود عبارت‌اند از:

۱. دختران شاغل توان اقتصادی بالا و استقلال اقتصادی دارند. از آنجایی که یکی از انگیزه های دختران برای ازدواج، نیاز اقتصادی است و از مجرد ماندن خود احساس سربار خانواده بودن دارند، با رسیدن به استقلال اقتصادی، انگیزه ازدواج در آنها از بین می رود. در نتیجه، بسیاری از آنان رغبت چندانی به ازدواج ندارند.

۲. داشتن شغل، از این نظر که هم منبع اقتصادی و هم منبع سرگرمی خوبی است که می تواند در انسان نشاط و شادی به وجود آورد، جایگاه خاصی در بین دختران دارد. گاهی علاقه به شغل در دختران چنان زیاد است که به سبب ترس از ازدست دادن شغل، ازدواج نمی کنند.

۳. دختران شاغل، معمولاً خواستگاران بیشتری نسبت به سایر دختران دارد. و از تأخیر انداختن در ازدواج واهمه ای ندارند؛ زیرا شانس خود را برای ازدواج، حتی در صورت افزایش سن زیاد می بینند.

### ج) عوامل فرهنگی

گرچه کشور ما از فرهنگی اسلامی و غنی برخوردار است، ولی به دلایلی همچون نفوذ فرهنگ بیگانه این فرهنگ کم رنگ شده است و سفارش های اسلام به تعجیل در ازدواج و کراهت تأخیر آن، تا حدی

بین جوانان به فراموشی سپرده شده است. جوان ایرانی که در گذشته مهم ترین برنامه اش ازدواج و تشکیل زندگی بود، امروزه دیگر این گونه فکر نمی کند. حتی عده قلیلی ازدواج را مختص میان سالی می دانند. نفوذ فرهنگ غربی به ذهن جوانان ما یکی دیگر از عوامل مهم در تأخیر ازدواج و عدم رغبت به ازدواج به موقع است. این ترس وجود دارد که این فرهنگ مخرب گسترده و فراگیر شود. عوامل فرهنگی را می توان از سه جهت در تأخیر سن ازدواج مؤثر دانست:

### ۱. تحول در الگوهای رفتاری

در دهه های اخیر تحولی جدی در الگوهای رفتاری خانواده ها به وجود آمده است. تغییر در الگوی مصرف، نوع پوشاک، مسکن، سطح انتظارات خانواده ها و توجه به آراسته بودن ظاهری موجب شده که مفهوم زندگی به طور کلی دگرگون شود. امروزه رفاه از مهم ترین مسائلی است که خانواده ها به آن توجه دارند؛ در حالی که در چهار، پنج دهه قبل مفهوم رفاه در زندگی افراد کم رنگ بود.

### ۲. ادامه تحصیل و تحول موقعیت زنان

دومین عاملی که موجب افزایش سن ازدواج شده، گرایش به ادامه تحصیل در بین جوانان است؛ به ویژه تحول موقعیت اجتماعی زنان و گرایش آنها به تحصیلات عالی موجب شده که سن ازدواج افزایش پیدا کند. اغلب پسران و دختران علاقه دارند تحصیلات خود را تا لیسانس و بالاتر ادامه دهند.

امروزه تلقی و برداشت جوانان این است که ازدواج فرصت ادامه تحصیل را از آنان سلب می نماید. به ویژه تحول موقعیت اجتماعی زنان و گرایش آنها به تحصیلات عالی موجب شده که سن ازدواج افزایش پیدا کند.

گاهی علاقه به شغل در دختران چنان زیاد است که به سبب ترس از دست دادن شغل، ازدواج نمی کنند.

### ۳. اعتقاد به داشتن زندگی آزاد

برخی بر این باورند که ازدواج باعث محدودیت در بسیاری از خواسته ها و نیازهای آنان می شود؛ از این رو، ترجیح می دهند به مجرد و به تعبیر خودشان آزاد زندگی کنند. این گرایش نه تنها در بین پسران وجود دارد، بلکه برخی از دختران نیز ازدواج را نوعی محدودیت و موجب سلب آزادی های فردی می دانند.

### ۴. وسواس بیش از حد در انتخاب همسر

یکی دیگر از عوامل افزایش سن ازدواج احتیاط بیش از حد در انتخاب همسر آینده است. افرادی که بیش از حد در این زمینه وسواس به خرج می دهند نمی توانند در مورد ازدواج و انتخاب همسر آینده خود تصمیم بگیرند. این افراد با اینکه همه اقدامات ضروری پیش از مراسم ازدواج را انجام داده اند، چند روز مانده به عقد و یا عروسی تمام قول و قرارها را زیر پا می گذارند و حاضر به ازدواج نمی شوند.



### ۵. متروک شدن ارزش های معنوی

متروک شدن ارزش های معنوی و توجه به ارزش های مادی سبب شده است جوانان به همه چیز، از جمله ازدواج، رنگ و لعاب مادی بدهند و به جای آنکه کسب فضائل انسانی را هدف خود در زندگی قرار دهند و ازدواج را عاملی برای نزدیک تر شدن به خدا و کامل شدن ایمان بدانند، در به دست آوردن ثروت دنیا و نمایاندن ظواهر فریبنده زندگی مادی مسابقه بگذارند. این طرز تفکر همه چیز، از جمله ازدواج، را تحت تأثیر قرار می دهد.

### ۶. نفوذ فرهنگ آزادی جنسی غرب

نیاز جنسی انسان و علاقه به جنس مخالف از مهم ترین انگیزه های ازدواج است. با توجه به این

واقعیت، اگر جامعه ای به اعضای خود اجازه دهد بدون ازدواج و پذیرش مسئولیت های آن بتوانند با یکدیگر روابط جنسی برقرار کنند، طبیعی است که دیگر دست یابی به شریک جنسی نمی تواند انگیزه اولیه ازدواج باشد. در نتیجه شمار زیادی از جوانان ترجیح می دهند ازدواج نکنند و نیاز جنسی خویش را با هزینه های کمتری رفع کنند. بنابر همین نگاه بالا رفتن سن ازدواج در کشورهای غربی با رشد هم خانگی یا زندگی مشترک زنان و مردان ازدواج نکرده، همراه بوده است. بنابر گزارش «داره آمار آمریکا»، در سال ۱۹۶۰ تعداد ۴۳۹/۰۰۰ زن و مرد در این کشور وجود داشتند که بدون ازدواج با هم زندگی می کردند که این رقم در سال ۱۹۹۸ به ۴/۶۳۲/۰۰۰ نفر رسید.

بسیاری از زوج های هم خانه، که بعدها با یکدیگر ازدواج می کنند، همسانی و سازگاری را علت تأخیر ازدواجشان مطرح می نمایند.

### ۷. آرمان گرایی جوانان

بعضی از جوانان امروزی به علت خامی و ناپختگی زیاد و نیز عدم اعتماد به تجربه های والدین و قدیمی دانستن آنها، از واقعیت های زندگی بی اطلاع مانده اند؛ در نتیجه، نمی توانند درباره ازدواج واقع گرا باشند، بلکه آرمانی فکر می کنند و در عالم هستند. افراد با این طرز تفکر یا ازدواج نمی کنند و منتظر همسری آرمانی می مانند و یا از روی احساسات ازدواج می کنند که نتیجه اش شکست و سرخوردگی از ازدواج است.





### سوم) پیامدهای افزایش سن ازدواج

شواهد حاکی از این است که سن ازدواج رو به افزایش است، و از طرف دیگر سن بلوغ جنسی کاهش چشمگیری را نشان می دهد؛ در سال های اخیر فاصله این دو بیشتر شده است. به تعبیر دیگر انتظارات، ایدئال ها و هنجارهای اجتماعی ازدواج جوانان را به تأخیر انداخته است؛ اما از سوی دیگر، غریزه جنسی، که سراسر وجود نوجوان را تسخیر کرده است به وسیله عوامل بیرونی - از قبیل الگوهای رفتاری، چهره های زیبا و آرایش کرده، نوارها و عکس های مبتذل، فیلم های سینمایی وارداتی، دسترسی به ماهواره و اینترنت و علاوه بر آن، فیلم ها و سریال های داخلی مغایر با فرهنگ معنوی جامعه - تحریک و باعث بلوغ زودرس در نوجوانان شده است. و چون همه جوانان و نوجوانان از لحاظ اخلاقی و معنوی آنقدر قوی نیستند که بتوانند با رعایت تقوا و خویشتن داری، فاصله بلوغ تا ازدواج را پشت سر بگذارند، امکان ابتلای آنان به انحرافات اخلاقی و بی بند و باری های جنسی بیشتر است. با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه به صراحت می توان گفت که افزایش سن ازدواج یک مشکل حاد اجتماعی است و به تعبیر جامعه شناسان می توان از آن راه یک «مسئله اجتماعی» دانست.<sup>۱</sup>

### الف) گسترش بی بندوباری های جنسی

در سال های اخیر هرزگی، بی بند و باری جنسی، روابط دختر و پسر، حاملگی نامشروع، سقط

غیرقانونی و دیگر انحرافات اخلاقی در میان جوانان افزایش چشمگیری یافته است.

تبیین های انحرافات اخلاقی و بی بندوباری های جنسی جوانان به ندرت محتوا و شرایط سنی آنان را در نظر گرفته اند. اکثر مؤلفان انحرافات اخلاقی جوانان را، از نظر نوع انگیزه، با انحرافات اخلاقی بزرگ سالان یکسان و مشابه دانسته اند. و به تأثیر انواع مشکلات خانوادگی، روانی، آموزشی، اقتصادی، و اجتماعی اشاره نموده اند. اما کوهن (۱۹۸۲م) معتقد است انحرافات اخلاقی و اجتماعی جوانان از نظر نوع انگیزه با بزرگسالان تفاوتی اساسی دارد.<sup>۲</sup>

بر اساس یافته های او، افراد بزرگسال و کسانی که نقش آنان تا حدودی در خانواده و جامعه احراز شده است، اگر اقدام به عمل خلاف می کنند مثلاً دست به خودکشی، خانه گریزی، و روابط جنسی با دیگران می زنند ممکن است به دلیل مشکلات اقتصادی، عدم رضایت از زندگی و فزون خواهی باشد؛ اما بخش عمده انحرافات اخلاقی جوانان ریشه در نیازهای واقعی عاطفی و جنسی آنها دارد جوانان به دلیل محرومیت و فراهم نبودن شرایط ارضای مناسب و مشروع نیازهای خود به جست و جوی راه های دیگر برای رسیدن به خواسته ها و آرزوهای خود دست می زنند. مهاجمان فرهنگی با شناخت دقیق از شرایط و ویژگی های سنی، عاطفی و روانی جوانان و نوجوانان و نیز شناخت شرایط اقتصادی و سیاسی جامعه، سعی کرده اند از این نیاز طبیعی انسان برای تحقق اهداف خویش حداکثر سوء استفاده کنند.

در روایات متعدد، بر به موقع شوهر دادن دختران

تأکید گردیده و گوشزد شده است که اگر به موقع در این زمینه اقدام نشود، از گمراهی و فساد ایمن نخواهند بود: «وَالْأَلَمُ يَوْمَئِذٍ لِّغِيظِ الْفِتَنِ»<sup>۳</sup> توجه به آمارهای ارائه شده در زمینه انحرافات اخلاقی جوانان راز تأکید ائمه (علیهم السلام) مبنی بر ازدواج به موقع را آشکار می سازد و نمایان میکند که چرا در روایات توصیه شده است پدران و مادران در امر ازدواج فرزندان خود اقدام کنند.

همه جوانان و نوجوانان از لحاظ اخلاقی و معنوی آنقدر قوی نیستند که بتوانند با رعایت تقوا و خویشتن داری، فاصله بلوغ تا ازدواج را پشت سر بگذارند

### ب) خودکشی

آمارهای ارائه شده درباره خودکشی در شهرهای ایران حاکی از آن است که در گذشته میزان خودکشی در میان گروه های سنی بالا بیشتر بوده است؛ اما در ۲۰ سال اخیر این الگو به هم خورده و میزان خودکشی به سمت گروه های سنی جوان تر گرایش پیدا کرده است؛ بر اساس پژوهش های جهانی و نیز برخی تحقیقات انجام شده در ایران، اکثر اقدام کنندگان به خودکشی را جوانان مجرد تشکیل می دهند

در تحقیقی که به منظور بررسی عوامل اقدام به خودکشی بر روی ۵۰۰ مورد انجام شد، این نتیجه به دست آمد که یکی از عوامل اصلی و عمده اقدام به خودکشی در جوانان، فراهم نشدن زمینه ازدواج است؛ در مطالعه ای دیگر که بر روی ۶۹۰ پرونده مربوط به

۱. محمد صالح شحامی، پیشین، ص ۵۱-۴۹. ۲. همان. ۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۴. ۴. نعمت الله نقوی، خودکشی، نشر آگه، ص ۲۵-۲۲. ۵. همان.



خودکشی انجام گردید، آشکار شد که میزان خودکشی در سنین جوانی (۱۶-۳۰ سالگی) بسیار بالاست و بخش قابل توجهی از افرادی که اقدام به خودکشی کرده اند، در ازدواج ناموفق بوده یا از آن ناکام مانده اند. همچنین در پژوهشی که در سال ۱۳۸۳ به منظور بررسی علل خودکشی در شهر کرمانشاه انجام شد، این نتیجه به دست آمد که ازدواج در کاهش میزان خودکشی مؤثر است.<sup>۱</sup>

### ج) خانه‌گریزی دختران

فرار از خانه یکی از معضلات حاد اجتماعی است که عوامل مختلفی در آن دخالت دارند. نسبت دخترها و پسرها در فرار از خانه تقریباً مساوی است، اگر چه دخترها بیش از پسرها دستگیر می‌شوند. طبق گزارش خبرگزاری ایسنا، در سال ۱۳۸۰، ۴۰۷۳ جوان و نوجوان فراری شناسایی شدند که بیشتر آنان را دختران تشکیل می‌دادند و ۷۲ درصد دختران فراری بین ۱۶ تا ۲۵ سال بودند.<sup>۲</sup>

در یکی از پژوهش‌ها تأثیر نقش والدین بر فرار ۲۰ دختر جوان بررسی شد که ۱۶ نفر کارکرد ناسالم خانواده را عامل فرار خود از خانه دانستند. براساس اظهارات این دختران، آنها پیش از فرار درگیر یافتن یک حامی بوده‌اند که بتواند آنها را دوست بدارد یا حمایت کند؛ مثل دوست شدن با یک یا چند پسر به قصد ازدواج. مخالفت والدین با ازدواج، درگیری‌های خانوادگی و اعتراض خود آگاهانه دختران به وضعیت خود که خود را مستحق ظلم والدین نمی‌دانستند، سبب شد که به قصد رسیدن به رهایی و آرزوی

آرزوی ازدواج، راه فرار را در پیش گیرند.<sup>۳</sup> با توجه به اظهارات این دختران می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکرد ناسالم خانواده و مخالفت و بی‌توجهی والدین به ازدواج فرزندان در فرار دختران تأثیر دارد. در پژوهشی دیگر نیز کارکرد ناسالم خانواده، عدم رضای نیازهای عاطفی، و بی‌توجهی والدین به ازدواج فرزندان به عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز بی‌بندوباری‌های اخلاقی و خانه‌گریزی دختران یاد شده است.<sup>۴</sup>

### د) خودفروشی دختران

یکی دیگر از پیامدهای افزایش سن ازدواج و بی‌توجهی والدین به مسائل جوانان، به ویژه دختران جوان، انحرافات اخلاقی از نوع خودفروشی و روسپیگری است.

بر اساس یکی از تحقیقات انجام شده سن اکثر موارد ارجاعی به «مرکز مداخله در بحران و ستاد پذیرش و قرنطینه شمال بهزیستی استان تهران»، بین ۱۶ تا ۲۱ سال بوده است.<sup>۵</sup> در تحقیقی که به منظور بررسی «عوامل زمینه‌ساز تن دادن زنان به روسپیگری» بر روی ۱۴۷ زن و دختر روسپی انجام شده، معلوم شد که ۶۲٪ از افراد بین ۱۳ تا ۲۰ سالگی شروع به این کار کرده‌اند؛ یعنی دوران نوجوانی و سال‌های اولیه جوانی. همچنین ۳/۶۹٪ این دختران فراهم نبودن شرایط ازدواج و بی‌توجهی و مخالفت والدین با ازدواج آنها را علت این اقدام دانسته‌اند.

ارتباط تنگاتنگ افزایش سن ازدواج و بی‌توجهی مسئولان و خانواده‌ها نسبت به ازدواج جوانان با

بی‌بندوباری جنسی نه تنها در این تحقیق، بلکه در تحقیقات دیگر نیز گزارش شده است.<sup>۶</sup>

اکثر مؤلفان انحرافات اخلاقی جوانان را، از نظر نوع انگیزه، با انحرافات اخلاقی بزرگسالان یکسان و مشابه دانسته‌اند.

### چهارم) راهکارهای کاهش سن ازدواج

برای مبارزه با بالابودن سن ازدواج راه‌حل‌های زیادی وجود دارد؛ اساسی‌ترین راه‌هایی از این مشکل آن است که ملت و دولت دست به دست هم دهند و با برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی سعی در رفع این مشکل بزرگ داشته باشند. شاید نقطه آغازین و در عین حال بسیار مهم حل مشکل این باشد که ابتدا سعی کنیم تفکر و شناخت جوانان را عوض کنیم و آنان را از مادی‌گرایی و سطحی‌نگری، به معنویت و دین‌باوری سوق دهیم. با توجه به عوامل افزایش سن ازدواج - که در ابتدای مقاله بررسی شد - راهکارها و عوامل کاهش سن ازدواج نیز در همان غالب مطرح می‌شوند.<sup>۷</sup>

### الف) راهکارهای فرهنگی

تغییر نگرش و شناخت افراد کمک زیادی به تغییر رفتار آنان می‌کند؛ البته هر تغییری بدون داشتن زیرساخت‌های فکری محکم، دوامی نخواهد داشت. وظیفه مهم متصدیان امور فرهنگی، مثل حوزه، دانشگاه، صدا و سیما، مطبوعات و هنر، این است که

۱- همان، ۲- شهلا معظمی، فرار دختران، چرا، ص ۸۲، ۳- معصومه رسد خلی، روسپیگری، کودکان خیابان و تنگدلی، ص ۱۱۹-۱۱۷، ۴- آسیب‌های اجتماعی و روند تحول آن در ایران، ۵- جمعی از مؤلفان، آسیب‌های اجتماعی ایران، ص ۳۰۷، ۶- همان، ص ۲۷۲-۲۹۲، ۷- همان، ص ۵۲-۵۱، پیشین، ص ۱۵۴-۱۵۵.





نباشد، سن ازدواج کاهش پیدامی کند؛ اما اگر داشتن خانه و اتومبیل مدل بالا و امکانات مادی ارزش شود و چشم و هم چشمی های زیان آور گسترش یابد، جوان ما ناچار است به دنبال تهیه آنها برود و از داشتن خانواده در سن جوانی محروم بماند.

### ۵. ازدواج در خلال تحصیل

یکی از عوامل افزایش سن ازدواج تحصیل است. اگر به گونه ای برنامه ریزی شود که دانشجویان قادر باشند در خلال تحصیل ازدواج کنند، سن ازدواج در بین این قشر، که مهم ترین و حساس ترین بخش جامعه هستند، کاهش پیدامی کند.

این امر مشروط بر این است که در درجه اول



### ۳. گسترش فرهنگ حجاب

در جامعه ای که فرهنگ حجاب حاکم باشد و رابطه با نامحرم طبق موازین شرعی باشد و از اختلاط های مضر و فسادانگیز بین پسر و دختر پرهیز شود، زمینه برای ارضای نامشروع نیازهای جنسی بسیار کم می شود؛ و در نتیجه تمتهات جنسی منحصر به خانواده و ازدواج می گردد. همین امر موجب می شود احساس نیاز به ازدواج در جوانان افزایش یابد و آنها زودتر ازدواج کنند.

### ۴. گسترش فرهنگ قناعت و ساده زیستی

اگر در جامعه ساده زیستی و استفاده از حداقل امکانات مادی ارزش باشد و یا دست کم ضدارزش

در این زمینه برنامه ریزی ای جدی داشته باشند. کارهایی که می توان در این زمینه انجام داد، عبارت اند از:

### ۱. ارزش دانستن تأهل

اگر تأهل و همسر داشتن به عنوان یک ارزش و مجرد ضد ارزش تلقی شود، همان گونه که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) آمده است، کمک زیادی به تغییر نگرش افراد نسبت به ازدواج می شود. لازمه این کار آن است که فرهنگ دینی در ازدواج، جایگزین فرهنگ مادی و نگرش جوانان به ازدواج همان نگرش اولیای دین شود که ازدواج را وسیله ای برای نزدیک شدن به خدا می دانستند.<sup>۱</sup>

### ۲. درجه بندی ملاک های انتخاب همسر

در فرهنگ دینی مهم ترین ملاک برای انتخاب همسر ایمان و اخلاق است و ملاک های دیگر اهمیت کمتری دارند.<sup>۲</sup> این در حالی است که در جامعه کنونی ما ملاک هایی همچون مدرک، ثروت، پست و مقام و به طور کلی مظاهر مادی بیشترین اهمیت را دارند. به همین دلیل تمام تلاش جوانان این شده است که از هر راهی امتیازات مزبور را به دست آورند تا از این طریق به مقبولیت اجتماعی برسند. اگر مسئولان فرهنگی کشور ارزش های واقعی را، که ایمان و اخلاق در صدر آن است، ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.



خانواده‌ها اهمیت موضوع را درک کنند و متوجه این موضوع باشند که خطرهای بزرگی فرزندان دانشجوی آنها را تهدید می‌کند و مشکلات روحی و روانی زیادی در اثر تأخیر ازدواج برای آنان به وجود می‌آید که با ازدواج کردن تمام یا بیشتر این مشکلات حل می‌شود. در مرحله بعد خانواده‌ها باید با کمک دانشگاه‌ها و دیگر نهادهای ذی‌ربط به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که دانشجویان با حداقل امکانات بتوانند ازدواج کنند و در عین حال درس خود را نیز ادامه دهند. جوان دانشجویی اگر امکان ازدواج کند، حتی به صورت ماندن در دوران عقد و نامزدی، از برکات مادی و معنوی ازدواج بهره‌مند می‌شود و با انگیزه بیشتری درس و تحصیل را دنبال می‌کند.

#### ب) راهکارهای اقتصادی

عوامل اقتصادی یکی از عمده‌ترین دلایلی است که جوانان برای تأخیر ازدواج خود مطرح می‌کنند. برای اینکه نقش این عامل مهم را کاهش دهیم، در دو جهت باید برنامه‌ریزی کنیم: اول اینکه حتی الامکان هزینه‌ها را کاهش بدهیم و دوم اینکه منابع اقتصادی و تولید ثروت را برای جوانان فراهم کنیم. راهبردهای ذیل می‌توانند ما را در عملی ساختن دو هدف مزبور یاری دهند:

#### ۱. کاستن از هزینه‌های اضافی

بسیاری از هزینه‌هایی که در زندگی صرف می‌شود، اعم از هزینه‌های جشن عقد و عروسی، جهیزیه، مسکن و سایر لوازم زندگی، ضرورت ندارند و امکان

حذف یا کاهش آنها هست. اگر پسر و دختر و خانواده‌هایشان تصمیم بگیرند هزینه‌های غیرضروری را حذف کنند و به حداقل امکانات اکتفا نمایند، امکان ازدواج برای بیشتر جوانان فراهم می‌شود.

اگر مسئولان فرهنگی کشور ارزش‌های واقعی را، که ایمان و اخلاق در صدر آن است، ترویج کنند، نه تنها سن ازدواج کاهش پیدا می‌کند، بلکه بسیاری از مشکلات دیگر نیز حل خواهد شد.

#### ۲. همیاری در هزینه‌های ازدواج

همان‌گونه که خداوند همه مردم جامعه را به یاری جوانان برای ازدواج و تشکیل زندگی دعوت می‌کند، همه افراد، به‌خصوص افراد متمول، وظیفه دارند در این امر خیر شرکت کنند. همچنین اگر این فرهنگ نهادینه شود که افراد نزدیک به خانواده پسر و دختر، بخشی از هزینه‌های ازدواج را به عهده بگیرند، کمک بزرگی به تحقق این هدف می‌شود. این پیشنهاد گرچه ظاهر ساده‌ای دارد، ولی در عمل تأثیر شگفت‌انگیزی در هموار ساختن مسیر ازدواج جوانان از خود به جای می‌گذارد و چون این مشکل عمومیت دارد و هر کسی خود را محتاج کمک می‌بیند، همه مردم در این امر خیر شرکت خواهند کرد.

#### ۳. پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه برای ازدواج

قرض‌الحسنه یکی از سنت‌های خوب و گره‌گشای اسلامی است که در آیات فراوانی از قرآن بدان تشویق و تأکید شده؛ قرض‌الحسنه تأثیر فوق‌العاده‌ای در

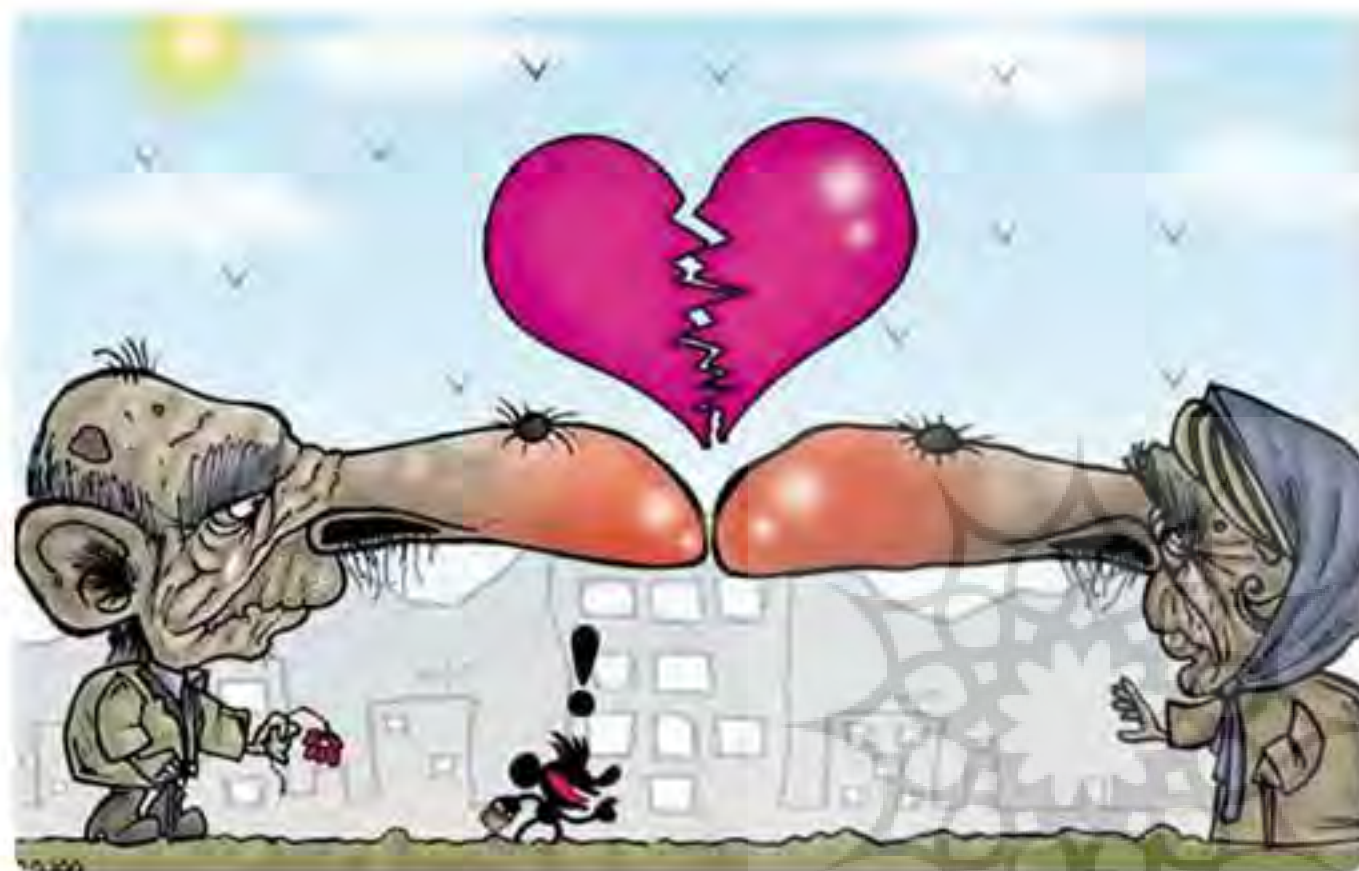
حل مشکلات اقتصادی جامعه دارد. اگر این سنت حسنه گسترش یابد و وام‌های طولانی مدت و کم بهره به جوانان برای ازدواج و تهیه وسایل زندگی داده شود، کمک زیادی به ازدواج جوانان و در نتیجه کاهش سن ازدواج خواهد شد.

#### ۴. ایجاد شغل‌های پاره‌وقت در دوران تحصیل

امروزه دغدغه اصلی جوانان، و به ویژه دانشجویان، اشتغال است. متأسفانه آموزش و پرورش و آموزش عالی ما طوری برنامه‌ریزی نشده است که همه فارغ‌التحصیلان خود را به ابزار و فنون شغلی مجهز کنند؛ همان‌گونه که نیروی نظامی نتوانسته است برای سربازان وظیفه، که خیل عظیمی از جوانان کشورند، در این زمینه کاری بکند و دست کم هر یک از آنان را در مدت سربازی به فن یا صنعتی مجهز کند. البته کارهایی در تحقق این هدف انجام داده‌اند، ولی اصلاً کافی نیست. اگر دانشجوی جوان بتواند در خلال تحصیل شغل مناسبی داشته باشد، می‌تواند بسیاری از هزینه‌های زندگی خود را تأمین کند. لازمه این کار آن است که آموزش‌های کاربردی و فنی در طول تحصیل گسترش یابد و تعداد واحدهای نظری غیرضروری کاهش پیدا کند.

۶ تشویق به زندگی در کنار خانواده یکی از زوجین: در زمان‌های گذشته اکثر جوانان ابتدای زندگی خود را در کنار والدینشان آغاز می‌کردند و به مرور زمان سعی می‌کردند با پس‌انداز از پدر و مادر خود جدا و مستقل شوند. اگر بتوان این فرهنگ را دوباره زنده





کرد و جوانان و خانواده هایشان را به پذیرش این امر تشویق کرد، کمک زیادی به حل مشکل ازدواج می شود.

### ج) راهکارهای اجتماعی

به دلیل آنکه جامعه مجموعه ای خانواده ها است، بهترین جایگاه کمک به ایجاد خانواده و فراهم ساختن ازدواج جوانان، خود جامعه است. از این رو برای حل مشکل ازدواج جوانان و جلوگیری از افزایش سن ازدواج، چاره ای جز همکاری و همیاری همه افراد و احاد جامعه نیست.

#### ۱. فراهم کردن شرایط ازدواج آسان

دولت مردان و متصدیان امور اجتماعی وظیفه دارند برنامه دقیقی برای حل این مشکل ارائه دهند و با تشویق مردم، به خصوص افراد متمول، جوانان را در این امر یاری دهند. مسلماً اگر دولت و مسئولان قدمی در این راه بگذارند، همه مردم به کمک آنها می شتابند؛ زیرا این یک مشکل همگانی است و همه افراد به گونه ای با آن درگیرند. هر یک از نهادهای اجتماعی عهده دار مسئولیت ها و وظایف مشخصی از کارکردهای یک جامعه هستند. در فرهنگ اسلامی بر تعاون اجتماعی و رسیدگی به امور جوانان تأکید شده و بخشی از بیت المال برای تسهیل ازدواج جوانان اختصاص یافته است.

در احوالات حضرت علی (علیه السلام) آمده است: جوانی را که مرتکب استمنا شده بود، محضر او آوردند تا مجازات کند. حضرت او را تعزیر کرد و روی

دستش را آن قدر زد تا سرخ شد. سپس فرمود: چرا این کار را کردی؟ چرا ازدواج نکرده ای؟ عرض کرد: چون توانایی ندارم و... حضرت دستور داد از بیت المال او را تأمین کنند که ازدواج کند.

### ۲. گسترش مراکز مشاوره ازدواج

یکی از دلایلی که جوانان را از ازدواج دور کرده، نداشتن اطلاعات صحیح از ازدواج و وجود بدبینی های بی مورد است. بسیاری از جوانان نسبت به اصل ضرورت ازدواج بی اطلاع اند و برخی هم از افکار ناصحیح و خرافاتی در این زمینه رنج می برند. وجود مراکز مشاوره ازدواج کمک شایانی به جوانان می کند و دغدغه های بی مورد آنان را برطرف می سازد.

### ۳. کنترل مهاجرت روستاییان به شهرها

از بین تمام خسارت ها و ضررهایی که در مهاجرت روستاییان به شهر وجود دارد، مشکل افزایش سن ازدواج جایگاه ویژه ای دارد. اگر بتوان با افزایش امکانات زندگی در روستاها و ایجاد اشتغال از مهاجرت جلوگیری کرد و آنان را به ماندن در روستا و تولید محصولات کشاورزی و دامی وامثال آن تشویق نمود، علاوه بر حل بسیاری از مشکلات اجتماعی، از افزایش سن ازدواج نیز جلوگیری خواهد شد.

### ۴. جلوگیری از بی بندوباری و ابتذال و فساد اخلاقی

یکی از راه های پیشرفت جامعه پیاده کردن قانون اساسی و جلوگیری از متخلفان و برهم زندگان نظم و



و قانون است. اگر از فساد و ابتذال، بخصوص در حوزه اخلاق و مسائل جنسی، جلوگیری نشود و یا افراد متخلف برخورد جدی صورت نگیرد و در مقابل تهاجم و شیخون فرهنگی دشمن، سیاست تسامح و تساهل اجرا شود، جامعه چنان دچار آشفتگی می شود که اولین ضرر آن متوجه نهاد مقدس خانواده می شود و جایگاه آن را تضعیف می کند امروز کم نیستند جوانان پاک و مؤمنی که تریک زندگی مناسبی برای خود نمی یابند. تأثیر مخرب گسترش فساد و فحشا و ابتذال و بخصوص مواد مخدر بر تزلزل کانون خانواده و بدبینی جوانان به ازدواج، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. اگر متصدیان اجتماع برای مبارزه با مفاسد اخلاقی کمر همت ببندند و این نام های خطرناک را از جلوی جوانان بردارند، برکات زیادی نصیب جامعه کرده اند که یکی از آنها هموار شدن راه ازدواج جوانان است.

### نتیجه گیری

از مجموع آنچه بیان شد به این نتیجه می رسیم که یکی از مشکلات جوانان مجرد و فراهم نبودن زمینه برای ازدواج است که به نوبه خود باعث انواع انحرافات و بی بند و باری های اخلاقی در جامعه، به ویژه در بین جوانان، شده است. هر چند تحقیق مستقلی در این زمینه انجام نشده، اما گزارش های ضمنی و مواردی که به طوری جانبی به این موضوع پرداخته اند،

نشان دهنده رابطه مستقیم بین افزایش سن ازدواج و انحرافات اخلاقی هستند. تأثیر افزایش سن ازدواج در انحرافات اخلاقی جوانان به قدری وسیع و گسترده است که تحقیقی مستقل و جداگانه ای را می طلبد. زمینه یابی ها و یافته های فراتحلیلی نشان می دهند که حتی در معضلاتی که به ظاهر هیچ ارتباطی با این موضوع ندارند نیز محرومیت از ازدواج و کمروایی های جنسی خارج از چارچوب خانواده، عامل اصلی است. بنابراین گرچه نمی توان همه انحرافات اخلاقی و بی بند و باری های جنسی جوانان را ناشی از افزایش سن ازدواج دانست، اما به یقین بخش عمده ای از انحرافات اخلاقی جوانان ریشه در این مسئله دارد.

برای تسهیل امر ازدواج جوانان و پیشگیری از بسیاری انحرافات اخلاقی موارد ذیل پیشنهاد می شوند:

- ۱) برگزاری کلاس های آموزشی درباره ازدواج و تحلیل و بررسی پیامدهای به تأخیر انداختن آن.
- ۲) ایجاد مراکز ویژه برای شناختن موقعیت های افراد طالب ازدواج و فراهم کردن زمینه آشنایی خانواده ها.
- ۳) فراهم کردن امکانات ازدواج به دور از مخارج غیر ضروری و در چارچوب فرهنگ دینی؛ مانند ازدواج های گروهی که در سال های اخیر شاهد برگزاری ساده و صمیمی آنها بوده ایم.
- ۴) منحصر نکردن امکانات مادی و رفاهی به دانشجویان و جوانان ساکن در پایتخت و تقسیم تسهیلات بین همه قشرها و گروه ها در شهرها و شهرستان های مختلف.
- ۵) قرار دادن افرادی که ازدواج کرده اند در اولویت های اشتغال و توجه به اشتغال جوانان به دور از تبعیض و

ورابطه محوری

۶) فرهنگ سازی ازدواج ساده و منطبق با معیارهای اسلامی که باید از سوی رسانه ها دنبال شود. اگر معیار ما در ازدواج و انتخاب همسر، اسلام باشد، اکثر این مشکلات وجود نخواهد داشت. باید بینش جوانان، توجواتان و خانواده ها نسبت به زندگی و ازدواج اصلاح شود تا بتوان مقدمات ازدواج آنان را در زمان مناسب و با الگوگیری از امامان معصوم (علیه السلام) - که پیش از ۲۰ سالگی اقدام به ازدواج می نمودند - فراهم کرد.

۷) باید تدابیری از سوی مربیان، مسئولان فرهنگی و دولت در نظر گرفته شود که جوانان و توجواتان در ابعاد گوناگون جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اقتصادی به طور هماهنگ و متناسب رشد نمایند آنچه در حال حاضر مشاهده می شود عدم تناسب رشد و بلوغ جنسی و جسمی با دیگر ابعاد رشد یعنی رشد عقلی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی جوانان و توجواتان است. از این رو جوانان سال ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی، منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش نیازهای زندگی باقی می مانند که یا اصلاً به آن دست نمی یابند و یا وقتی به آنها می رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزه ازدواج را ندارند.